

نگاهی نو به تفسیر آیات مرتبط با پاداش اهل سعادت و نقش آن در مفهوم‌شناسی واژگان قرآن

حسین خوشدل مفرد*

چکیده

پاداش الهی بر اساس اصول قطعی عقل و مبانی نظری دین اسلام به‌ویژه قرآن، دارای مراتب و درجات متفاوتی است و انسان‌ها در قیامت بر اساس مراتب معرفت و ایمان و همچنین اعمال صالحه‌ای که از پیش فرستاده‌اند؛ دارای مراتب و درجات معنوی متفاوتی در بهشت خواهند بود. از سوی دیگر در آیات قرآن دسته‌های متعددی از اهل سعادت معرفی شده و انواع گوناگونی از پاداش الهی برای آنها در نظر گرفته شده است، به‌عنوان مثال از مقربون، ابرار، محسنین، صالحین، متقین و ... نام برده شده و برای هر کدام نعمت‌ها و پاداش گوناگونی در نظر گرفته شده است. این تحقیق در پی آن است که نشان دهد آیا امکان مقایسه این گروه‌ها و تمایزشان بر اساس پاداش‌های در نظر گرفته‌شده برای آنها وجود دارد؟ آیا می‌توان با تمایز قایل شدن در مراتب پاداش آنها، این مفاهیم را از هم جدا کرد؟ دستاورد این پژوهش بیانگر آن است که تعیین مراتب اهل سعادت در تفسیر قرآن با بررسی مراتب پاداش در نظر گرفته‌شده برای ایشان امکان‌پذیر است و به‌صورت مصداقی این نظریه بر هفت گروه از اهل سعادت: مقربین، ابرار، صالحین، مومنین، متقین، محسنین و عبادالله بررسی و پیاده‌سازی شده است. از دیگر کاربردهای این تحقیق در مباحث زبان‌شناسی و روابط هم‌نشینی و جانشینی است که در فهم معنای متن، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

اهل سعادت، پاداش اهل سعادت، مراتب پاداش، مقایسه پاداش.

طرح مسئله

مفهوم‌شناسی واژگان قرآن از گذشته تاکنون مورد توجه محققان و پژوهشگران حوزه علوم و معارف قرآن بوده است. از نخستین تحقیقات در این حوزه که کاملاً سنتی بوده تا تحقیقات جدید که با زبان‌شناسی و علوم جدید مانند هرمنوتیک مرتبط است، از نخستین کتاب‌ها مانند *مسائل نافع بن ازرق* که ۱۹۰ کلمه قرآنی را در بر دارد (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۰۵؛ مهدوی‌راد، ۱۳۸۴: ۱۴) تا کتاب‌های معاصر مانند آنچه از تحقیقات ایزوتسو در کتاب *مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید* به یادگار مانده است، همگی در صد بازشناسی مفاهیم و واژگان قرار است، از این‌رو این علم دامنه‌ای به گستره تاریخ قرآن دارد و همواره در حال پیشرفت و گسترش بوده است.

این تحقیق در پی آن است که با رویکردی متفاوت به تمایز مفاهیم قرآنی بپردازد و نگاهی نو به این مقوله داشته باشد. در این رویکرد، مراتب پاداش الهی در قرآن و انواع پاداش در نظر گرفته‌شده معیاری برای فهم دقیق‌تر و تمایز واژگان قرآنی خواهد بود. البته کارایی این تحقیق صرفاً در حوزه واژگانی است که مرتبط با گروه‌های مختلف اهل سعادت باشد. (مانند مقربون، ابرار، صالحین، مؤمنین، متقین، محسنین و ...)

توضیح آنکه پاداش الهی براساس اصول قطعی عقل و مبانی نظری دین اسلام، دارای مراتب و درجات متفاوتی است و انسان‌ها در قیامت براساس مراتب معرفت و ایمان و همچنین اعمال صالحه‌ای که پیش فرستاده‌اند، دارای مراتب و درجات معنوی متفاوت خواهند بود. افزون بر استدلال‌های عقلانی، آیات و روایات متعددی نیز بر این مسئله دلالت دارد. از سویی دیگر در آیات قرآن دسته‌های مختلفی از اهل سعادت معرفی شده و انواع گوناگونی از پاداش الهی برای آنها در نظر گرفته شده است، به‌عنوان نمونه در آیات قرآن، مقربون، ابرار، محسنین، صالحین، متقین و تعدادی دیگر از نیکوکاران معرفی شده و برای هرکدام نعمت‌ها و پاداش‌های گوناگونی بیان شده است. این تحقیق در پی آن است که نشان دهد تا چه میزان امکان مقایسه نعمت‌ها و پاداش‌های هریک از این دسته‌ها وجود دارد؟ و آیا می‌توان با تمایز قائل شدن در مراتب پاداش آنها، این مفاهیم را از یکدیگر متمایز کرد.

بی‌تردید بررسی مفاهیم و واژگان قرآن براساس میزان پاداش در نظر گرفته‌شده برای آنها می‌تواند فضای جدیدی در مفهوم‌شناسی واژگان قرآنی پیش‌روی محققان بگشاید. نظریه مورد نظر در این تحقیق آن است که تفاوت بیان قرآن در میزان و نوع پاداش در نظر گرفته شده، براساس حکمت صورت گرفته و بازشناسی این تفاوت و علت‌یابی آن، ما را در درک مفاهیم قرآن یاری می‌دهد. البته در راستای پیاده‌سازی این نظریه از سیاق آیات و مباحث لغوی و مانند آن بهره گرفته شده است. همچنین استفاده از روایات صرفاً به‌عنوان تأیید برداشت‌ها از قرآن است.

بنابراین مقاله حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که بیان مراتب پاداش الهی در قرآن بر چه اساسی استوار است؟ و مراتب پاداش الهی چه نقشی در شناخت و تفکیک مفاهیم قرآن از یکدیگر دارد؟

۱. تفاوت درجات انسان‌ها در آخرت

الف) مراتب پاداش الهی بر مبنای اصول عقلی

فلسفه نظام پاداش الهی و مراتب آن از اصول متعدد عقلی قابل برداشت است، به‌عنوان مثال بر مبنای اصل عدل الهی که مبنای ضروری بودن نظام پاداش الهی بر آن استوار است، تفاوت در مراتب پاداش نیز برداشت می‌شود. قطعی و مسلم است که ایمان، علم و عمل شایسته که از معیارهای پاداش الهی است، دارای مراتب متعددی است. (برای هر یک به ترتیب ر.ک: انفال / ۲، مجادله / ۱۱ و انعام / ۱۳۲) از این رو عدالت خدای متعال اقتضا دارد که پاداش متفاوتی نیز برای مراتب هریک قرار دهد تا بر کسی ظلم نشود.

بسیاری از حکما و متکلمان اسلامی بر مراتب پاداش تصریح کرده‌اند، به‌عنوان نمونه، شیخ صدوق از علمای امامیه در کتاب *الاعتقادات* در بخش «اعتقادنا فی الجنه» آورده است:

بهشتیان در نهایت خوشی به سر می‌برند و نوع کامرانی و لذت آنها با یکدیگر متفاوت است. آنهایی که شوق لقای خدا، انگیزه بندگی‌شان بوده به نعمت تسبیح و حمد خدا متنعم می‌شوند و آنان که به‌منظور از راه یافتن به بهشت، خدا را عبادت کرده‌اند، به انواع خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها دست می‌یابند و به آن بسنده می‌کنند. (صدوق، ۱۴۰۴: ۱ / ۷۶؛ برای مقایسه ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۸ / ۲۰۰؛ *نهج البلاغه*، ۱۳۷۹: ۱۱۸۲)

در میان علمای اهل سنت نیز ابن تیمیه می‌نویسد:

درجات بهشت با یکدیگر فاصله زیادی دارد و دوستان خدا بر حسب ایمان و تقوایشان در این درجات جای می‌گیرند. (ابن تیمیه، بی تا: ۱۱ / ۸۸)

ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلامی در این رابطه می‌نویسد:

اهل بهشت متنعم در ذکر و تسبیح الهی هستند و هیچ لذتی بالاتر از آن برایشان نیست؛ چون در این درجه از کمال هستند و بعضی به تناسب درجه، کمال پایین‌تری دارند و متنعم به لذات ظاهری مانند خوردن و آشامیدن هستند. (شیرازی، ۱۹۸۱: ۹ / ۲۸۲)

عالمان اصولی مسلمان نیز که معتقد به تجسم اعمال شده‌اند، به مراتب داشتن پاداش بر مبنای اعمال متفاوت و دارای مرتبه، معتقد بوده‌اند.

طرفداران این نظریه معتقدند ثواب و عقاب الزاماً بر افعال مترتب می‌شود و در حقیقت، ثواب و عقاب چیزی جز آشکار شدن باطن اعمال نیست و از آنجاکه باطن و نیت‌ها متفاوت است، پاداش نیز متفاوت خواهد بود. (اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱ / ۲۹۷)

خواجه نصیر الدین طوسی متکلم بزرگ شیعی در مباحث پاداش و عقاب بارها به قاعده لطف، اشاره می‌کند و اینکه بیان خدا باید به گونه‌ای باشد که بنده را به انجام طاعت تحریک و از ارتکاب گناه دور کند، (طوسی، ۱۴۰۵: ۳۴۲) اگرچه او به مسئله مراتب پاداش و عقاب اشاره‌ای نکرده است، اما به روشنی قاعده لطف، به این مهم اشاره دارد؛ زیرا مراتب پاداش، موجب تحریک بنده به اعمال نیک بیشتر می‌شود و این لطف بر خدا واجب است.

در نظر برخی از عرفا نیز ثواب و عقاب چیزی جز معرفت یا غفلت انسان از خویشتن نیست و از آنجاکه این معرفت دارای مراتب است، ثواب و عقاب نیز دارای مراتب است. (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۱ / ۹۰ و ۲ / ۲۳۶)

ب) مراتب پاداش الهی بر اساس آیات قرآن

مراتب درجات داشتن پاداش الهی در قرآن نیز بارها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مورد تأکید قرار گرفته است و از اصول مسلم قرآنی به شمار می‌آید، به عنوان نمونه آیه ۱۳۲ سوره انعام می‌فرماید:

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ؛

و برای هر کدام به سزای آنچه انجام می‌دادند، درجاتی است و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهند، بی‌خبر نیست.

این آیه تصریح دارد که هر گروه از جن و انس دارای درجات متفاوتی است و بر مبنای اعمالشان در جایگاه متفاوتی قرار خواهند گرفت. زمخشری در تفسیر خود ذیل این آیه می‌نویسد: «و لکل من المکلفین درجات؛ ای منازل مما عملوا من جزاء أعمالهم». (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۷)

سید محمدحسین طباطبایی نیز در این باره می‌نویسد:

یعنی هر کدام از دو طائفه جن و انس از نظر اعمال دارای درجاتی هستند، از این جهت که اعمالشان مختلف است، اختلاف اعمال باعث اختلاف درجات صاحبان اعمال می‌گردد و مسلماً خدا از آنچه خلائق انجام می‌دهند، بی‌خبر نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷ / ۳۵۶)

آیه ۷۵ سوره طه، آیه ۲۱ سوره اِسْرَاء و آیه ۹۵ سوره نساء نیز به اشکال مختلفی بر درجات و تفاضل انسان‌ها در قیامت اشاره دارد.

نگاهی نو به تفسیر آیات مرتبط با پاداش اهل سعادت ... □ ۶۱

یکی دیگر از مفاهیم قرآن که بیانگر تفاوت در اجر و پاداش انسان‌ها است، اوصاف یا نام‌های متعددی است که برای بهشت به کار رفته است؛ شایع‌ترین این نام‌ها عبارتند از: جنات عدن، فردوس، جنت المأوی، جنت النعیم و دارالسلام این اوصاف در کنار آنچه در احادیث مطرح شده و در ادامه خواهد آمد، به روشنی به مراتب و تفاوت پاداش الهی در قیامت اشاره دارد.

تقسیم‌بندی انسان‌ها به سه دسته در سوره واقعه، دلیل دیگری است که به صراحت به مراتب انسان‌ها در قیامت و مراتب پاداش آنها اشاره کرده و جای هیچ ابهامی باقی نمی‌گذارد. (واقعه / ۷ به بعد)

ج) مراتب پاداش الهی در احادیث معصومان علیهم‌السلام

مرتبه و درجه داشتن پاداش الهی بیشترین نمود را در احادیث دارد، به گونه‌ای که ده‌ها حدیث بر این امر دلالت دارد و به درجات بهشت و تفاوت در نوع پاداش نیکوکاران، اشاره دارد. برقی در محاسن به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده است:

في الجنة ثلاث درجات فأعلي درجات الجنة لمن أحبنا بقلبه و نصرنا بلسانه و يده و في الدرجة الثانية من احبنا بقلبه و نصرنا بلسانه و في الدرجة الثالثة من أحبنا بقلبه؛ (برقی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۵۳)

در بهشت سه درجه وجود دارد و بالاترین آن برای کسی است که با قلبش ما را دوست داشته باشد و با زبان و دستش ما را یاری دهد و در درجه دوم کسی است که با قلبش ما را دوست داشته باشد و با زبانش ما را یاری دهد و در درجه سوم کسی است که تنها با قلبش ما را دوست داشته باشد.

محمدباقر مجلسی نیز از امام صادق علیه‌السلام حدیثی آورده که مضمون آن این‌گونه است: «نگوید بهشت یکی است و نگوید بهشت درجه واحدی دارد، به درستی که تفاضل مردم به اعمال آنها است». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۵ / ۶۶) در کتب حدیثی اهل سنت نیز این معنا مکرر دیده می‌شود، به عنوان مثال بخاری آورده است: «إذا سألت الله فسألوه الفردوس فإنه اعلي الجنة» (بخاری، ۱۴۲۲: حدیث ۷۴۲۳) که نشان از مراتب متعدد جنت دارد و اینکه انسان‌ها باید بالاترین درجه آن را درخواست کنند.

همچنین بخاری از ام حارثه نقل می‌کند که نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و از جایگاه فرزندش حارثه بن سراقه سوال کرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «يا امرّ حارثه، انها جنان في الجنة و ان ابنك اصاب الفردوس الاعلي». (همان: حدیث ۲۸۰۹)

حدیث مشهور دیگری که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده به صراحت به درجات بهشت اشاره دارد؛

«فان درجات الجنة علي قدر آيات القرآن، فيقال لقاري القرآن فاقروا رِقًا». (کلینی، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۰۶) امام علی علیه السلام در *نهج البلاغه* نیز به درجات متفاوت بهشت اشاره دارد آنجا که می‌فرماید: «درجات متفاوت و منازل متفاوتات. (نهج البلاغه، خطبه ۸۵)

افزون بر این روایات، احادیث متعدد دیگری که به تعداد بهشت‌ها اشاره دارد (کلینی، ۱۳۶۳: ۸ / ۱۰۰) یا جایگاه متفاوت بهشتیان را بیان می‌کند (بخاری، ۱۴۲۲: حدیث ۲۰۸۳) و روایاتی که اشاره به جایگاه متفاوت اهل بیت و پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت دارد (صدوق، ۱۴۱۴: ۱ / ۱۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰ / ۱۰۷) نیز مؤید این مطلب است.

۲. نمود مراتب پاداش الهی در قرآن

پس از بررسی مبانی نظری مراتب پاداش الهی، حال نوبت به بررسی این دیدگاه در قرآن است. در اینجا دو سوال اساسی مطرح است که بدنه اصلی تحقیق را به خود اختصاص می‌دهد. یکم اینکه آیا مراتب پاداش الهی در قرآن نمود داشته است؟ یا اینکه آنچه در قرآن از انواع پاداش الهی برای نیکوکاران بیان شده از نظام خاصی پیروی نمی‌کند و فقط جهت انگیزه دادن به مخاطبین آمده است؛ دوم اینکه آیا براساس نظام پاداش الهی و مراتب بیان شده در قرآن می‌توان به تفکیک مفاهیم و واژگان مرتبط با گروه‌های مختلف اهل سعادت (مانند مقربون، ابرار، صالحین، محسنین و ...) پرداخت. در خصوص پاسخ به سوال یکم، افزون بر آنکه احادیث بر آن دلالت دارد؛ مانند آنکه در احادیث متعددی فردوس مرتبه عالی بهشت توصیف شده و یا جنات عدن مکان خاصی از بهشت نامیده شده است، (صدوق، ۱۴۱۴: ۱ / ۳۰۰) سیاق آیات قرآن نیز بر آن رهنمون است و نمی‌توان پذیرفت عبارت‌پردازی‌های قرآن برای انواع نعم بهشتی صرفاً لفاظی بوده و هیچ منطقی در آن نباشد و استفاده از واژگان گوناگون بدون حکمت و بدون بار معنایی خاصی فقط جهت ترغیب مخاطبین در کنار هم قرار گرفته باشند.

از سوی دیگر حکمت الهی اقتضاء می‌کند تا با بیان تفاوت در نوع پاداش بهشتیان زمینه‌ساز رغبت بیشتر مخاطبین برای رسیدن به مقامات بالاتر شود، همان‌گونه که این نوع از بیان در احادیث وجود دارد، به‌عنوان مثال در احادیث متعددی درباره تفاوت نیت انسان‌ها و تأثیر آن در مقامات معنوی اشاره شده است. محشور شدن براساس نیت از اصولی است که به کرات در احادیث آمده است: «ان الله يحشر الناس علي نياتهم يوم القيامة». (کلینی، ۱۳۶۳: ۵ / ۲۰) حدیث مشهور امام علی علیه السلام درباره انواع عبادت‌ها و نقش نیت در آن نیز مؤید همین معنا است:

ان الله قوماً عبدوا الله رغبة فتلك عباده التجار و ان قوماً عبدوا الله رهبة فتلك عباده العبيد و ان قوماً عبدوا الله شكراً فتلك عباده الاحرار. (نهیج البلاغه، حکمت ۲۲۹)

بدین ترتیب انتظار تفاوت در نوع پاداش اهل سعادت در قرآن یک انتظار صحیح است و می‌توان با تدبر در آیات مرتبط با آن، به نکات نغز و آموزه‌های مهم تفسیری دست یافت. بی‌تردید یکی از این دستاوردها، تمایز در مفاهیم و واژگان مرتبط این حوزه‌ها است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. شایان ذکر است گستره این فعالیت علمی، تدبر زیادی در قرآن می‌طلبد و این تحقیق فتح بابی در این رابطه است.

۳. تمایز و دسته‌بندی مفاهیم مرتبط با اهل سعادت بر اساس پاداش الهی

در این بخش با تدبر در آیات قرآن تلاش می‌شود میان گروه‌های مختلف اهل سعادت در قرآن از جنبه پاداش معنوی و اخروی که برای آنها در نظر گرفته شده، تفکیک قائل شد. ناگفته نماند تفکیک و تمایز لغوی و مفهومی که در تحقیقات متعدد بررسی شده، هدف اصلی این تحقیق نبوده است. از سوی دیگر به دلیل محدودیت این نوشتار، فقط به تعدادی از این گروه‌ها پرداخته شده است که عبارتند از: مقربون، ابرار، صالحین، مؤمنین، محسنین، متقین و عباد الله.

الف) مقربون

از آیات قرآنی برداشت می‌شود که مقربون دارای بالاترین مقامات معنوی هستند. با اینکه خدای متعال در قرآن انبیاء الهی را با اوصاف متعددی برشمرده ولی تنها تعداد معدودی را با وصف مقربون توصیف کرده است. (آل عمران / ۴۵) در سوره واقعه و مطففین به انواع پاداش الهی برای آنها اشاره کرده و در این آیات به صراحت پاداش برتر از دیگران (حتی ابرار) برای آنها در نظر گرفته شده است. در وصف ابرار آمده است که «يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْمُومٍ * خِتَامُهُ مِسْكَ * وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ * وَمِرَاجُهُ مِنَ النَّسِيمِ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ». (مطففین / ۲۸ - ۲۵) واضح است که ابرار از باده طهوری می‌نوشند که تنها با مقداری از نوشیدنی چشمه تسنیم ممزوج شده، اما این چشمه تسنیم بدون هیچ امتزاجی در اختیار مقربون است و از آن می‌نوشند. از سوی دیگر سرنوشت ابرار در علیون قرار دارد که مقام مقربون در مرتبه‌ای است که شاهد و ناظر بر قضا و سرنوشت حتمی آنان است و از این نظر بر آنان برتری دارد (مطففین / ۲۱ - ۱۸)

سید محمدحسین طباطبایی در خصوص مقام مقربون و نعمت و بهشتی که به آنها اختصاص داده

شده می‌نویسد:

مقربون بلند مرتبه‌ترین طبقات اهل سعادتند و هر یک از آنان در یک جنت نعیم قرار دارند؛ زیرا خدای متعال می‌فرماید: «فاما ان كان من المقربين فروح وريحان وجنة نعیم» و منظور از نعیم، ولایت خدا است و منظور از این جنت همان داخل شدن به ولایت خدای متعال است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۲۱)

در مقام مقایسه میان مقربون و اصحاب الیمین نیز اگرچه در قرآن به صراحت آمده است که مقربان مقام بالاتری دارند اما نوع نعمت‌های بهشتی هر کدام متفاوت است که نشان‌دهنده تفاوت در مقام آنها است، به‌عنوان مثال برای اصحاب یمین عبارت «فاکفه کثیره» به کار رفته اما برای نعمت مقربون عبارت «فاکفه مما یتخیرون» و تفاوت این دو تعبیر آشکار است؛ زیرا برای مقربون از اختیار و گزینش کردن فواکه توسط ایشان، سخن به میان آمده است، درحالی‌که این تعبیر برای اصحاب یمین به کار نرفته است؛ گویا آنها نمی‌توانند انتخاب آزادانه‌ای داشته باشند. البته با در نظر گرفتن سیاق آیات به‌ویژه آیه بعدی «لحم طیر مما یشتهون» نیز معلوم می‌گردد، منظور از «یتخیرون» همان «یشتهون» است که در این صورت تفاوت و برتری یک عبارت بر دیگری واضح‌تر خواهد بود. (برای سایر موارد ر.ک: واقعه / ۴۰ - ۱۰)

ب) ابرار

یکی دیگر از گروه‌های اهل سعادت ابرار هستند. همان‌گونه که بیان شد این گروه مقام پایین‌تری نسبت به گروه مقربون دارند. با این وجود گروه ابرار را می‌توان از بالاترین مقام‌های معنوی بعد از مقربون دانست. مطابق آیات سوره آل عمران، اولوا الالباب گروهی هستند که با همه مقام و معرفتی که دارند (آل عمران / ۱۹۴ - ۱۹۰) از خدای متعال می‌خواهند که در زمره ابرار و همراه با آنان بمیراند: «... رَتَبْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ» (آل عمران / ۱۹۳) که این امر نشان‌دهنده مقام والای ابرار است.

از سوی دیگر از آنجاکه مقربان بر کتاب سرنوشت نهایی و یا کتاب اعمال ابرار تسلط معنوی دارند، نشان‌دهنده مقام و رتبه‌ای است که مقربان در برابر ابرار دارند و اینکه ابرار بعد از مقربان دارای بالاترین مقام‌ها هستند؛ زیرا در بین این دو گروه فاصله و حجابی واقع نشده و از گروه دیگری نام برده نشده است:

إِنَّ كِتَابَ الْاَبْرَارِ لَفِي عَلِيَيْنَ * وَمَا اَدْرَاكَ مَا عَلِيُونَ * كِتَابٌ مَرْقُومٌ * يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ.
(مطففین / ۲۱ - ۱۸)

همچنین از این آیات برداشت می‌شود که ابرار دارای حساب و کتاب هستند اما درباره مقربان از کتاب و نامه عمل و حسابرسی خبری نیست و در قرآن جایی نداریم که به مقربان نامه عمل داده شود و یا مورد مواخذه اعمال قرار گیرند. البته بیشتر مفسران معنای کتاب را در این آیات به قضای محتوم و سرنوشت قطعی تعبیر و تفسیر کرده‌اند، اما پر واضح است که واژه کتاب بارها در قرآن به معنای نامه اعمال نیز به کار رفته است (مانند اسراء / ۱۳ و ۱۴) و از آنجاکه این دو تعبیر (قضای حتمی و نامه اعمال) در راستای یکدیگر قابل تفسیر و فهم هستند؛ چنین برداشتی از آیات دور از ظاهر الفاظ نیست. افزون بر آن در دو موضع مختلف در قرآن، در وصف نعمت بهشتی ابرار اشاره می‌شود که آنها از شرابی می‌نوشند که ممزوج شده با نوشیدنی خاصی که از آن نوشیدنی صرفاً مقربان و بندگان خاص «عبادالله» استفاده می‌کنند:

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ؛ (دهر / ۶ - ۵)
إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ... وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ. (مطففین / ۲۸ - ۲۲)

شاید بتوان چنین تعبیری به کار برد که چون ابرار محبت خودشان را برای خدای متعال خالص نکرده‌اند، از این رو شراب ممزوج را به ابرار و شراب خالص را به مقربان می‌دهند؛ به عبارت دیگر ابرار محبوبی غیر از خدا دارند و آن را نثار خداوند می‌کنند «لن تنالوا البرحتى تنفقوا مما تحبون» اما مقربان محبوبی غیر از خدا ندارند و در قلب او غیر خدا، محبوبی نیست تا نثار خداوند کند.

ج) صالحین

براساس آیات قرآن و نعمت‌هایی که برای صالحین در نظر گرفته شده، مشخص است که صالحین دارای مراتب و مقامات متعددی هستند و انسان‌ها هر مقدار که عمل صالح بیشتری انجام داده باشند به درجات والای صالحین نائل می‌شوند. به همین دلیل پاداش متفاوتی برای کسانی که عمل صالح انجام می‌دهند بیان شده است و در قرآن همه انواع جنات با اوصاف متعدد آن برای عاملین به صالحات به کار رفته است: «فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ» (حج / ۵۶) و همچنین «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا» (کهف / ۱۰۷) و یا «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ». (کهف / ۳۰ و ۳۱) در نتیجه می‌توان چنین برداشت کرد که براساس مراتب پاداش الهی در قرآن، صالحین نیز مراتب و درجات متعددی دارند. دقیقاً همین معنا از سایر آیات نیز قابل

برداشت است، به‌عنوان نمونه حضرت ابراهیم و فرزندانش در این دنیا در زمره صالحین هستند: «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ» (انبیاء / ۷۳) با این وجود با آن مقام شامخی که دارد از خدای متعال درخواست ملحق شدن به صالحین را داشته و به پروردگار عرض می‌کند: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقِّنِي بِالصَّالِحِينَ». (شعراء / ۸۳) خداوند این دعای حضرت ابراهیم را در دنیا اجابت نکرد بلکه تحقق آن را در آخرت وعده داده است: «وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ». (بقره / ۱۳۰)

سید محمدحسین طباطبایی در این باره می‌نویسد:

از آیه «إِنَّ وَلِيََّ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» (اعراف / ۱۹۶) برداشت می‌شود که رسول خدا همان کسی است که جزء صالحین است و حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا درخواست می‌کند به درجه صالحانی برسد که صلاحشان در مرتبه بالاتری از صلاح خود او است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۳۰۵)

این درجه از صلاح که بالاترین درجه صلاح است، حتی از مقام مخلصین (به فتح لام) بالاتر است؛ زیرا به نص قرآن عده‌ای از پیامبران دارای مقام اخلاص بودند اما با این همه، مقامی عالی‌تر از اخلاص وجود داشته که دعا می‌کردند بدان واصل شوند، مثلاً حضرت یوسف علیه السلام با آنکه از مخلصین است: «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف / ۲۴) اما در دعا از خدای سبحان طلب مقام صالحین را نموده است: «تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَالْحَقِّنِي بِالصَّالِحِينَ». (یوسف / ۱۰۱)

در نتیجه می‌توان گفت این مرحله از صلاح همان گروه «السابقون» هستند که در مقام صلاح از همه سبقت گرفته و مقربون درگاه الهی شده‌اند. بدین ترتیب باید گفت صالحین گروهی از اهل سعادت هستند که خود دارای مراتب متعدد بوده و بالاترین مرحله آن ویژه مقربون بوده و یکی از صفات آنها است و این برداشت از تدبر در آیاتی مانند آیه ۱۹۶ اعراف و روایاتی که مصداق صالحین و مقربون را یکی دانسته، (بحرانی، ۱۴۱۵: ۵ / ۲۵۲) استفاده می‌شود.

۴. مؤمنین

از آیات متعدد قرآن برداشت می‌شود که ایمان دارای مراتب متعددی است. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا». (انفال / ۲) از این رو در قرآن نیز مراتب متعددی از پاداش به مؤمنان اختصاص یافته است. این پاداش‌ها انواع بهشت و نعم مادی و معنوی را شامل می‌شود مانند «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي

جَنَاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرٌ». (توبه / ۷۲) به همین ترتیب زمانی که از بالاترین مرتبه ایمان‌ها سخن می‌گوید و مؤمنین حقیقی را وصف می‌نماید آنها را وارث فردوس معرفی می‌کند: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ * الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (مؤمنون / ۱، ۱۰ و ۱۱) به عبارت دیگر هر درجه از این پاداش‌ها مختص گروهی از مؤمنان است و بستگی به درجه ایمان ایشان دارد، از این رو می‌توان گفت واژه مؤمنون نیز مانند صالحان عام بوده و شامل همه گروه‌های اهل سعادت می‌شود. از درجات پایین ایشان که مرتکب معاصی می‌شوند و بارها امر به تقوای الهی شده‌اند (مجادله / ۹، احزاب / ۷۰، غافر / ۷) تا بالاترین مرتبه که در فردوس برین جای خواهند داشت، در این عنوان مشترک هستند.

در تفاسیر روایی مصداق اصلی مؤمنین در آیات ابتدایی سوره مؤمنون، که وارث فردوس هستند، خمه طیبه معرفی شده‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۱) به عبارت دیگر مؤمنان کامل و حقیقی همان مقربون هستند. شیخ صدوق در *عیون أخبار الرضا* روایتی از امام علی علیه السلام نقل می‌نماید که این معنا را به خوبی نشان می‌دهد و بیانگر آن است که مصادیق مؤمنین در این آیات و مقربون در سوره واقعه یکسان است. (صدوق، ۱۴۰۴: ۲ / ۶۵) پر واضح است اوصافی که در این آیات برای مؤمنان به کار رفته است، در راستای کمال ایمان مانند خشوع در نماز، دوری از لغو، صدقه دادن، حفظ عفت، امانتداری و ... بوده، از این رو بالاترین مرتبه بهشت مطابق روایات، یعنی فردوس نیز برای آنها در نظر گرفته شده است.

۵. محسنین

از آیات متعدد قرآن برداشت می‌شود که محسن یک صفت عام است که در مقابل سیئه به کار می‌رود و کاربردهای متعددی در قرآن دارد. یک معنای احسان و محسن که بیشتر در بافت دستورات دینی و در سیاق آیات مرتبط با تقوا و پرهیزکاری به کار رفته، تقریباً همان مفهوم عمل صالح را تداعی می‌کند، مانند آیه «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ». (زمر / ۱۰) این معنا از احسان و محسنین بارها در آیات قرآن به سایر گروه نیکوکاران و اهل سعادت نیز اطلاق شده و پاداش در نظر گرفته شده برای آنها یکسان است.^۱

اما معنای عام و لغوی احسان که به معنای مطلق نیکی کردن آمده، در برخی آیات نمود پیدا کرده است، مانند آیه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن / ۶۰) یا آیه «... وَيَأْتِيهِمْ إِحْسَانًا...». (بقره / ۸۳)

۱. برای این دسته از آیات به عنوان نمونه بنگرید به: آیه ۸۴ سوره انعام که به رابطه صالحین و محسنین پرداخته یا آیه ۱۲۸ سوره نحل که به رابطه متقین و محسنین اشاره دارد.

ایزوتسو به هر دو معنای احسان اشاره کرده و درباره این واژه در کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی قرآن مجید می‌نویسد:

احسان یکی از اصطلاحات اخلاقی اساسی در قرآن است، عموماً معنای آن «نیکی کردن» است. (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۴۵۹)

در مقام بیان پاداش و امتیاز دادن به این گروه از محسنین، در بیشتر موارد در آیات قرآن معنای عام صفت محسن با یک گروه از گناهکاران مقایسه شده تا به سعادت‌مندی آنها اشاره کند، به‌عنوان مثال: بقره / ۵۸، آل عمران / ۱۳۴، مائده / ۸۵، اعراف / ۱۶۱، و ... از این رو به‌نظر می‌رسد در مقام مقایسه جایگاه پایین‌تری نسبت به سایر اهل سعادت از نظر مقام معنوی داشته باشند. یا به‌عنوان نمونه‌ای از پاداشی که برای محسنین در نظر گرفته شده در آیه ۲۶ سوره یونس آمده است: «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ آنچه از سیاق آیه برداشت می‌شود که یک نوع نگاه سلبی به پاداش محسنین شده و اینکه چهره آنان را سیاهی و خواری نمی‌پوشاند و تنها «اصحاب الجنة» خطاب شده‌اند و از انواع پاداش‌هایی که برای سایر گروه‌های نیکوکاران بیان شده، خبری نیست. همین رویکرد در سوره نمل نیز تکرار شده است: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ». (نمل / ۸۹) در نتیجه باید گفت واژه محسنین شامل بسیاری از نیکوکاران می‌شود که درجات پایین‌تری از مقامات معنوی را به خود اختصاص داده‌اند.

۶. متقین

از جمله حقایقی که قرآن بدان اشاره کرده آن است که تقوا، مراتب و درجات مختلفی دارد. تعبیر به «أتقی» در آیه شریفه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳) هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شما است»، خود شاهد بر این مدعا است.

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ». (آل عمران / ۱۰۲) مفهوم این آیه آن است که تقوا دارای مرتبه‌ای با نام تقوای حقیقی است. در نتیجه مراتب دیگری نیز وجود دارد که پایین‌تر از این مرتبه قرار می‌گیرد.

علامه طباطبایی می‌نویسد:

هدف اصلی دو آیه شریفه: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» و «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» آن است که همه مردم را به تقوای پیشگی دعوت نماید، سپس آنها را به حرکت بر مسیر تقوا در حد

نگاهی نو به تفسیر آیات مرتبط با پاداش اهل سعادت ... □ ۶۹

توان خود فرمان دهد. در نتیجه همگان در مسیر تقوا قرار خواهند گرفت؛ با این تفاوت که مراحل و مراتب آنها مختلف است و با توجه به میزان درک و همت افراد و توفیق و تأیید الهی، رسیدن به مراتب تقوا نیز متفاوت خواهد بود و این است مفهوم دو آیه شریف مذکور که اولی، مقصد را نشان می‌دهد و دومی، راه و روش رسیدن به آن را تبیین می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۵۷۰)

از آنچه گذشت، می‌توان دریافت که تقوا، یک مرتبه و مقام دینی معین و خاص نبوده، بلکه یک حالت روحی است که تمامی مراتب و مقام‌های معنوی را دربر دارد؛ بدین معنا که برای هر مقام معنوی، مرحله‌ای از تقوای متناسب با آن وجود دارد.

در آموزه‌های ائمه علیهم‌السلام یعنی روایات نیز به نسبی بودن تقوا تصریح شده است. امام صادق علیه‌السلام تقوا را دارای سه درجه می‌داند:

التَّقْوَى عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ: تَقْوَى بِاللَّهِ وَهُوَ تَرَكَ الْحَلَائِلَ فَضْلاً عَنِ الشُّبُهَاتِ، وَهُوَ تَقْوَى خَاصِّ الْخَاصِّ؛ وَتَقْوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَهُوَ تَرَكَ الشُّبُهَاتِ فَضْلاً عَنِ الْحَرَامِ، وَهُوَ تَقْوَى الْخَاصِّ؛ وَتَقْوَى مِنَ خَوْفِ النَّارِ وَالْعِقَابِ وَهُوَ تَرَكَ الْحَرَامَ، وَهُوَ تَقْوَى الْعَامِ. (مصباح الشریعة، ۱۴۰۰: ۳۸)

تقوا سه گونه است: تقوا از خوف آتش و عذاب که همان ترک حرام باشد و درواقع تقوای عوام است؛ تقوای از خدا (نه از خوف جهنم) که ترک شبهات است و این مرتبه تقوای خواص است و تقوای فی‌الله و آن ترک حلال برای دچار نشدن به شبهات است.

با توجه به مراتب متعدد تقوا انتظار مراتب پاداش کاملاً منطقی است، از این‌رو در آیات متعدد انواع پاداش را برای متقین در نظر گرفته است، از این‌رو واژه متقین و اهل تقوا بارها به‌صورت جاننشینی یا هم‌نشینی با سایر گروه‌های اهل سعادت به‌کار رفته است، به‌عنوان نمونه در سوره آل‌عمران گروه ابرار جانشین عنوان متقین شده است.

لِئِنْ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ (آل‌عمران / ۱۹۸)

ولی کسانی که پروای پروردگارشان را پیشه ساخته‌اند، باغ‌هایی خواهند داشت که از زیر (درختان) آن نهرها روان است. در آنجا جاودانه بمانند (این) پذیرایی از جانب خداست و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است.

در آیات ۱۳۳ و ۱۳۴ همین سوره با واژه محسنین همراه شده است.

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

در آیات قرآن متقین از نعمت‌های متعدد بهشتی برخوردار هستند. از نعم مادی گرفته تا نعمت‌های معنوی (آل عمران / ۱۵، دخان / ۵۱، محمد / ۱۵) و همچنین عباراتی که نشان از بالاترین نعمت‌ها دارد مانند «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا» (ق / ۳۵). در سوره قمر بالاترین مقام‌ها را برای متقین بیان می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ * فِي مَعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ». (قمر / ۵۴ و ۵۵) جنت نعیم، جنت عدن، رضوان الهی و ... برای متقین در نظر گرفته شده است. با این وجود در برخی آیات تعابیری برای نعمت‌های آنها به کار رفته که نشان از درجات نه چندان والای آنها دارد، به‌عنوان مثال در آیات سوره حجر می‌فرماید:

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَأَمِينِينَ * وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ * لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ. (حجر / ۴۸ - ۴۵)

استفاده از نعمت‌های به‌اصطلاح سلبی مانند اینکه به ایشان رنجی نمی‌رسد یا از آن خارج نمی‌شوند یا اینکه کینه‌های آنان را بر می‌کنیم، نشان از جایگاه متفاوت آنها نسبت به تعابیر سایر گروه‌های اهل سعادت دارد.

به هر روی تعابیر متفاوت از نعمت و پاداش متقین و اینکه تقوا یک حالت روحی است که برای هرکدام از گروه‌های اهل سعادت وجود دارد، به عام بودن این واژه اشاره دارد و بیانگر آن است که در مواردی همنشین یا جانشین سایر واژه‌های مرتبط شده است.

۷. عبادالله

اگرچه «عبد» از نظر لغت عرب، به انسانی می‌گویند که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد، اراده‌اش تابع اراده او است؛ در برابر او مالک چیزی نیست و در اطاعت او هرگز سستی به خود راه نمی‌دهد، اما واژه «عباد» در قرآن کریم تنها بر بندگان صالح به کار نرفته است، بلکه «عباد» را بر افرادی که به وظیفه بندگی خود عمل نمی‌کنند نیز اطلاق شده است، به‌عنوان مثال می‌فرماید:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا لَهُ، مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ. (زمر / ۵۳ و ۵۴)

نگاهی نو به تفسیر آیات مرتبط با پاداش اهل سعادت ... □ ۷۱

از این رو در برخی از آیات قرآن واژه «عباد» و «عبادالله»، بر همه بندگان خدا به کار رفته است. نمونه دیگر را می‌توان در سوره دخان مشاهده نمود آنجا که می‌فرماید:

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ * أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ
أَمِينٌ. (دخان / ۱۸ و ۱۹)

بنابراین، مراد در این آیات و امثال آن، مانند «وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران / ۱۵) تمام انسان‌ها است و شامل کسی که به وظیفه بندگی خود عمل نکرده، نیز می‌شود.

با این وجود در برخی از آیات، «عبادالله» فقط شامل بندگان خاص الهی می‌شود و با برشمردن ویژگی‌های آنان، تمایزی بین ایشان و سایر بندگان به وجود آمده است. مانند آیات زیر:

... بِالْعِبَادِ * الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * الصَّابِرِينَ
وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ. (آل عمران / ۱۷ - ۱۵)

خدای متعال در پایان آیه ۱۵ آل عمران سخن از عباد را مطرح می‌کند و در دو آیه بعد، شش مؤلفه و خصوصیت آنان را بیان می‌دارد. در آیات دیگری که عباد الرحمن را معرفی می‌کند به ویژگی‌های خاص ایشان اشاره دارد.

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا * وَالَّذِينَ
يَبْسُتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا * وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ
غَرَامًا * إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا * و (فرقان / ۶۶ - ۶۳)

همچنین آیات دیگری که به عباد خاصی اشاره دارد، مانند: «عَمِينََّا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا
تَفْجِيرًا» (دهر / ۶) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَكَانَ لَكُمْ عَذَابًا مُّهِينًا» (مريم / ۶۳)

از مجموع این آیات به خوبی می‌توان دریافت که واژه «عباد» شامل طیف وسیعی از انسان‌ها می‌شود و از عموم انسان‌ها و بندگان خدا گرفته تا برگزیدگان و خواص درگاه الهی را شامل می‌شود. آنچه مد نظر این مقاله در این بخش است همان گروه از بندگان است که خدای متعال به شکل خاص از آنها به «عبادالله» نام برده است و ایشان را به ثواب و پاداش وعده داده است؛ به عبارت دیگر منظور ما در این بخش «عباد» به معنای مطلق بندگان خدا؛ اعم از نیکوکار و گناهکار نیست، بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد همین عباد الهی که از گروه اهل سعادت هستند، دارای مراتب متفاوتی از حیث مقامات معنوی و

اخروی بوده و از این رو پاداش در نظر گرفته شده برای ایشان نیز متفاوت است. آیه ۳۲ سوره فاطر به شکل صریحی این دسته‌بندی و تفاوت در مقامات این گروه را نشان می‌دهد:

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ. (فاطر / ۳۲)

در چندین آیه از قرآن پاداشی برای عبادالله در نظر گرفته شده که با توجه به مراتب مقامات معنوی ایشان، مراتب پاداش نیز وجود دارد. به عنوان مثال در همین سوره فاطر نعمت‌های متعددی در جنات عدن برای ایشان در نظر گرفته شده است:

جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ * وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ.

در سوره فرقان نیز پس از برشمردن ویژگی‌های عبادالرحمن پاداشی مادی و معنوی برای ایشان برمی‌شمرد:

أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا * خَالِدِينَ فِيهَا حَسْنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا.

همین‌رویه در آیه ۶۸ سوره زخرف نیز وجود دارد. در سوره صافات به عبادالله مخلص وعده جنت نعیم به همراه نعمت‌های مادی و معنوی متعدد داده شده است: «أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ * فَوَاصِحُهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ». (صافات / ۴۳ - ۴۱)

در مقابل برخی از عبادالله دارای ویژگی‌های برتری هستند و از بهشت و جنت اختصاصی بهره می‌برند، به عنوان نمونه در سوره فجر می‌فرماید:

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَأَدْخُلِي جَنَّتِي. (فجر / ۳۰ - ۲۷)

اینکه بهشت منسوب به خدای متعال چه جایگاهی است و دارای چه نعمتهایی است، در قرآن مبهم است. اضافه جنت به خدا، بیانگر عظمت بهشت و فراوانی نعمت آنجا است و می‌توان آن را فراتر از ذهن و درک بشر تصور کرد: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (سجده / ۱۷)

نگاهی نو به تفسیر آیات مرتبط با پاداش اهل سعادت ... □ ۷۳

بی‌تردید این عباد و بندگانی که خدا نفس مطمئن را در ایشان وارد می‌کند و در زمره آنها قرار می‌دهد، مقام بسیار والایی دارند. همان‌گونه که روایات نفس مطمئنه را به امام حسین علیه السلام تفسیر کرده‌اند. در نتیجه این عباد نیز باید از مقربین درگاه الهی باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود قرائت کنید که این سوره به امام حسین علیه السلام اختصاص دارد. ابواسامه که در مجلس حاضر بود عرض کرد: چگونه این سوره به امام حسین علیه السلام اختصاص یافته حضرت فرمودند: آیا قول خداوند متعال در پایان سوره رانشنیده‌ای که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» همانا مراد از نفس مطمئنه حسین علیه السلام است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴ / ۹۳)

این گروه از بندگان از ابرار نیز مقام والاتری دارند و همان‌گونه که قبلاً بیان شد ابرار از ظرف شرابی می‌نوشند که تنها با مقدار کمی از نوشیدنی چشمه‌ای خاص آمیخته شده است اما عده‌ای از عبادالله هستند که همواره و به شکل خالص از آن چشمه می‌نوشند:

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا. (انسان / ۵ و ۶)

بی‌تردید نیکان از جامی می‌نوشند که آمیزه آن کافور است، چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و آن را به هرگونه بخواهند جاری می‌سازند. همان‌گونه که واضح است این چشمه که تنها مقداری از آن در ظرف ابرار ریخته می‌شود، کاملاً در تصرف عبادالله است و ایشان اختیار تام دارند که هرگونه بخواهند آن را جاری سازند: «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ». (تکویر / ۲۹) همین امر اوج مقام عبادالله را نشان می‌دهد و پاداشی که برای ایشان در نظر گرفته شده است.

نتیجه

۱. پاداش الهی براساس اصول قطعی عقل و مبانی نظری دین اسلام، دارای مراتب و درجات متفاوتی است و انسان‌ها در قیامت براساس مراتب معرفت و ایمان و همچنین اعمال صالحه‌ای که پیش فرستاده‌اند؛ دارای مراتب و درجات معنوی متفاوتی در بهشت خواهند بود.

۲. در آیات قرآن دسته‌های متعددی از اهل سعادت معرفی شده و انواع گوناگونی از پاداش الهی برای آنها در نظر گرفته شده است، به‌عنوان مثال از مقربون، ابرار، محسنین، صالحین، متقین و ... نام برده شده

و برای هر کدام نعمت‌ها و پاداش گوناگونی در نظر گرفته شده است. امکان مقایسه این گروه‌ها و تمایز آنها براساس پاداش‌های در نظر گرفته شده برای آنها وجود دارد.

۳. بررسی مفاهیم و واژگان قرآن براساس میزان پاداش در نظر گرفته شده، می‌تواند فضای جدیدی در مفهوم‌شناسی مفاهیم قرآنی پیش روی محققان بگشاید.

۴. براساس آیات قرآن و مراتب پاداش، مقربون بالاترین گروه اهل سعادت هستند. پس از ایشان ابرار در مقام معنوی دوم قرار می‌گیرند. مؤمنین و صالحین و عبادالله دارای مراتب متعدد معنوی هستند که بالاترین درجه آن در مصداق با مقربون مشترک بوده و درجات پایین‌تر آن نیز سعادت‌مند می‌شوند، از این‌رو در مواردی به‌صورت جانشینی یا هم‌نشینی با یکدیگر به‌کار رفته‌اند. محسنین از مقام پایین‌تری نسبت به مقامات عالی معنوی برخوردار هستند، به‌ویژه در مواردی که در بافت معنایی غیردینی به‌کار رفته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ۱۳۷۹، ترجمه علینقی فیض الاسلام، تهران، موسسه نشر آثار فیض الاسلام.

- ابن تیمیه، تقی الدین احمد، بی‌تا، الرسالة المدنیة فی تحقیق المعجاز و الحقیقه، تحقیق محمد حمزه، قاهره، مطبعه المدنی.

- ابن عربی، محمد بن علی، ۱۳۷۰، فصوص الحکم، تهران، نشر الزهراء.

- اصفهانی، محمدحسین، ۱۳۷۴، نهاية الدارۃ فی شرح الکفاۃ، قم، موسسه سید الشهداء.

- ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۷۸، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فرزاد.

- بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.

- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۲۲ ق، الجامع الصحیح، تحقیق محمدزهیر بن ناصر، بیروت، دار طوق النجاة.

- برقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ ق، المحاسن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی

وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی.

- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۲۱ ق، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربی.
- شیرازی، صدرالدین محمد، ۱۹۸۱ م، *الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴ ق، *عیون أخبار الرضا*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- _____، ۱۴۱۴ ق، *الأعتقادات*، بیروت، دار المفید.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، نصیر الدین محمد بن محمد، ۱۴۰۵ ق، *تلخیص المحصل*، بیروت، دار الأضواء.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- مصباح الشریعة، منسوب به امام صادق، ۱۴۰۰ ق، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- مهدوی راد، محمدعلی، ۱۳۸۴، *سیر نگارش های علوم قرآنی*، تهران، هستی نما.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی